



## کردستان ایران عضو جدید اوپک



سودابه قیصری

فکر می‌کنید چند درصد از مردم ایران می‌دانند اوپک چیست؟

به طور حتم عده‌ای خاص می‌دانند که اوپک مخفف نام سازمان کشورهای صادرکننده نفت است که در نشست‌های خود قیمت نفت و همچنین سهمیه کشورهای عضو را تعیین می‌کند. اما در مناطق مرزی کردستان و آذربایجان غربی، همه‌ی مردم اوپک را می‌شناسند زیرا همه‌ی شهرهای مرزی یک میدان اوپک دارند.

اشتباه نکنید! این اوپک، با اوپک اصلی فرق دارد. در این جا از کشورهای صادرکننده نفت خبری نیست و هیچکس هم تعیین‌کننده قیمت و سهمیه کشورها نمی‌باشد. در این میدان‌ها مردانی را (از تمام گروه‌های سنی) می‌بینید که به کار قاچاق نفت و بنزین مشغولند. آنها در این میدان‌ها جمع شده و درباره نحوه و قیمت اجناس با هم تبادل نظر می‌کنند. پس از خرید نفت و گاز آن را به مناطق مرزی حمل و توسط الاغ و از طریق کوه‌های مرزی به ترکیه و عراق می‌رسانند.

این شغل به نظر پردرآمد، بسیار خطرناک است زیرا بارها و بارها افراد قاچاقچی مورد اصابت گلوله قرار گرفته و جان خود را از دست داده‌اند، اما باز هم عده زیادی به این کار مبادرت ورزیده و بر آن اصرار دارند.

در نگاه اول شاید بتوان به این افراد کلمه قاچاقچی را اطلاق کرد ولی تفکر و تعمق در زندگی مردم این منطقه، انسان را در به کار بردن این کلمه محتاط می‌کند.

انسان‌هایی که به نان شب محتاج بوده و به رغم تمایل و توانایی انجام کار، هیچ شغلی نمی‌یابند، هیچ منبع درآمد سالمی برای آنان وجود ندارد، آیا راه دیگری دارند؟

وقتی پای حرف دلشان بنشینیم، می‌بینیم که از این کار ابدا دل خوشی ندارند و از خطرات آن به شدت بیمناکند، ولی چه باید کرد؟ آیا جایگزینی برای آن سراغ داریم؟

کردها مردمانی بسیار توانا و نجیب‌اند، پس چه چیز باعث می‌شود تا دست به کاری بزنند که علاوه بر خطرات جانی و مالی، مورد هجوم کلمات سخیفی مانند قاچاقچی قرار گیرند؟

چه چیز باعث می‌شود تا کودکان و جوانان به جای نشستن پشت میز و نیمکت مدرسه، راهی بازارچه‌های مرزی شده و با کارت تردد برادر بزرگتر در سرمای طاقت‌فرسای مناطق کوهستانی در کار قاچاق یا حمل بار مجاز باشند؟

به راستی چه کسی مسوول است؟ چگونه می‌توان با جرات این افراد را قاچاقچی خطاب کرد، در حالی که هر کدام از آنان برای به دست آوردن یک لقمه نان، سرما، بی‌غذایی، خطر مرگ و زندانی شدن را به دزدی و فروش مواد مخدر ترجیح می‌دهند.

برای جلوگیری از قاچاق مواد نفتی نمی‌توان به دستور و فرمان و حتی سهمیه‌بندی یا کارت ویژه سوخت امید بست زیرا تمامی این روش‌ها چند ماهی است که اجرا می‌شود و نتیجه‌ای جز ایجاد صف‌های طولانی در برابر پمپ‌های بنزین دربر نداشته است.

تنها راه رفع این معضل شناسایی دلایل اقدام به آن است. یکی از دلایل اصلی قاچاق مواد سوختی وجود تقاضا در کشورهای همجوار است. عراق و به ویژه منطقه کردستان که از نظر زیرساخت‌های اقتصادی در حد صفر است. این منطقه از سال ۱۹۹۱ به صورت خودمختاری غیررسمی اداره می‌شود ولی از آن جا که از طرف هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشده، نتوانسته وضعیت اقتصادی باثباتی داشته باشد و تنها منبع درآمد آن، مرزهای گمرکی است.

قبل از انتخابات عراق، این منطقه از طریق سهم ۱۷ درصدی مبادلات نفت در برابر غذای سازمان ملل روزگار می‌گذرانولی در حال حاضر از بودجه کشور عراق سهم می‌گیرد و زیرساخت‌ها را از سال ۲۰۰۳ شروع کرده است اما مرزهای گمرکی و درآمدهای آن همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد این منطقه ایفا می‌کند. بنابراین به دلیل وجود مرز مشترک در منطقه سردشت، میروان، سفز و بانه با ایران، ورود و خروج کالا از این مناطق به

سهولت انجام می‌گیرد که به دلیل تقاضای این منطقه و ارزان بودن بهای مواد نفتی، از ایران به آن جا قاچاق می‌شود.

معاون سیاسی امنیتی استانداری کردستان در مصاحبه‌ای اعلام کرد که در سه ماهه نخست امسال در مجموع ۴۸ میلیارد ریال سوخت از این استان به مقصد کردستان عراق خارج شده و ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که سهم این استان از قاچاق مواد سوختی در کشور ۱۰ درصد است (سیروان، ۲۴ تیر ۸۶). دلیل دیگر گسترش قاچاق فرآورده‌های نفتی در منطقه کردنشین، بیکاری جوانان است که از حد و اندازه طبیعی خارج شده و نمی‌توان آن را در حد سایر مناطق کشور دانست. به رغم سطح سواد بالا و فرهنگ غنی، جوانان این منطقه نمی‌توانند شغلی درخور یافته و به ناچار به قاچاق روی می‌آورند.

نرخ بیکاری کشور در سال‌های گذشته با توجه به ورود ۸۰۰ هزار نیروی کار جوان به بازار کار همواره بالا بوده و بین ۱۰ تا ۱۷ درصد برآورد شده است و برخی کارشناسان نیز نرخ بیکاری را برای سال ۸۶ در حدود ۱۵/۴۱ درصد پیش‌بینی کرده‌اند.

نرخ بیکاری در سال ۸۳ معادل ۱۰/۴ درصد، در سال ۸۴ معادل ۱۱ درصد و در سال ۸۵ معادل ۱۲ درصد اعلام شده بود و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال تا پایان برنامه چهارم به ۱۲/۵ درصد برسد.

اما در کردستان، با توجه به مصاحبه رییس سازمان کار و فنی و حرفه‌ای استان در چهارده مرداد ۸۵ (هفته نامه سیروان)، آمار بیکاری ۱۷ درصد است. در حالی که مرکز آمار ایران، آمار بیکاری استان کردستان را ۲۳ درصد اعلام کرده و بنا به روایتی دیگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این آمار را ۱۲ درصد می‌داند که آمار اخیر مورد تایید کارگروه اشتغال استان نیست.

وجود جنگل‌های انبوه و منطقه کوهستانی نیز جلوگیری از قاچاق را برای نیروی انتظامی که غالباً هم غیر بومی بوده و به منطقه‌آشنایی ندارند، بسیار مشکل می‌کند. بیکاری روستاییان مرزنشین در فصل‌های پاییز و زمستان، عامل مهم دیگری است که قاچاق فرآورده‌های نفتی و کالا را باعث می‌شود.

به طور حتم عوامل دیگری نیز وجود دارد که شناسایی آنها نباید برای مسوولان کار دشواری باشد. تا زمانی که در جهت رفع این عوامل گامی برداشته نشود، نمی‌توان امیدوار بود که معضل قاچاق در این منطقه حل شود و کماکان باید شاهد خروج نفت، بنزین و گازوئیل پرارزش این مملکت و خروج ارز جهت ورود کالاهای مصرفی کم‌ارزش بود.